

روز طلائیے

نویسنده: اُرسولا دوبوسارسکی
مترجم: شکيبا محب علی

سرشناسه: دوبوسارسکی، ارسولا، ۱۹۶۱ - م. Dubosarsky, Ursula
عنوان و نام پدیدآور: روز طلایی/ نویسنده اُرسولا دوبوسارسکی؛ مترجم شکبیا محبعلی؛ دبیر مجموعه ادبیات انگلیسی
مینا وکیلی‌نژاد؛ ویراستار مهرانگیز اشراقی.

مشخصات نشر: تهران: مشاوران آموزش، کتاب دوک، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری: ۱۸۴ ص؛ ۱۷×۱۱ س.م.

فروست: کتاب‌های دوک.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۸-۵۲۱-۱

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: The golden day، ۲۰۱۳.

موضوع: داستان‌های نوجوانان استرالیایی - قرن ۲۰م. Young adult fiction, Australian - 20th century

شناسه افزوده: محبعلی، شکبیا، ۱۳۶۳ - مترجم؛ وکیلی‌نژاد، مینا، ۱۳۶۴ - ویراستار

شناسه افزوده: Vakilinejad, Mina

رده بندی کنگره: PZV

رده بندی دیویی: ۸۲۳/۹۱۴ [ج]

شماره کتابشناسی ملی: ۹۸۷۷۵۷۳



انتشارات مشاوران آموزش - کتاب دوک

روز طلایی

نویسنده: اُرسولا دوبوسارسکی

مترجم: شکبیا محبعلی

دبیر مجموعه ادبیات انگلیسی: مینا وکیلی‌نژاد

ویراستار: مهرانگیز اشراقی

صفحه‌آرا: واحد کودک و نوجوان

اجرای جلد نسخه فارسی: واحد کودک و نوجوان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۸-۵۲۱-۱

نوبت و سال چاپ: اول - ۱۴۰۴

شمارگان: ۵۵۰ نسخه

لیتوگرافی: ناب‌نگار

چاپ و صحافی: خیام

قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان



تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، نبش کوچه مهر، پلاک ۱۸، واحد یک



۰۲۱-۶۶۴۱۳۸۶۷



www.dookpub.com



publication@dookpub.com

بامهر فراوان تقدیم به
دانش آموزان کلاس در سال ۱۹۷۸

برای یسنا؛
که نوجوانی را یک بار دیگر با او تجربه کردم.
مترجم

ترس رنگ باخته است و شب:
 همه زنگ‌ها ساعت نه دنگ‌دنگ به صدا درمی‌آیند:
 دخترمدرسه‌ای‌ها میان نور می‌شتابند
 لمس نور الهی ناشناخته...

دور شو از من، ای سایه مرگ!
 اوه، آری به تأخیر انداختن مرگ!
 صبح همراه من است و
 هم‌نفس با دخترمدرسه‌ای‌ها، شتابان مسیر را می‌پیماید.

«دخترمدرسه‌ای‌ها می‌شتابند»
 جان شاو نیلسون^۱

فهرست

۷.....	۱۹۶۷.....
۹.....	همهٔ اتفاقات یک روز تابستانی.....
۱۸.....	در باغ زیبا.....
۲۶.....	شاعر زیر درخت.....
۳۲.....	چهار دخترمدرسه‌ای.....
۴۳.....	دخترمدرسه‌ای و سایه.....
۵۲.....	قایم‌موشک.....
۶۰.....	دخترمدرسه‌ای گریه می‌کند.....
۷۰.....	دخترمدرسه‌ای معلق.....
۷۹.....	مبادله.....
۸۷.....	راز.....
۹۸.....	پنهان‌کاری دخترمدرسه‌ای.....
۱۰۶.....	دختر مدرسه‌ای فریب‌خورده.....
۱۱۳.....	دخترمدرسه‌ای و مرد.....
۱۲۲.....	جزرومد.....
۱۳۱.....	سایهٔ پنجره.....
۱۳۷.....	دست در دست یکدیگر.....

۱۴۵	 ماهی افسانه‌ای
۱۵۲	 ۱۹۷۵
۱۵۳	 وقت همیشگی عصرانه
۱۶۳	 دگرگونی
۱۷۳	 دختر مدرسه‌ای به پرواز درمی‌آید
۱۸۲	 یادداشت نویسنده

عنوان فصل‌ها در این رمان برگرفته از تابلوها و نقاشی‌های چارلز
بلکمن^۱ است.

۱. Charles Blackman: نقاش استرالیایی

۱۹۶۷

«بی خیالِ همه چیز باش»

آمبرس^۱

همه اتفاقات یک روز تابستانی

سال، با به‌دارآویختن یک مرد شروع و با غرق‌شدن یکی‌دیگر تمام شد. اما هر سال مردم می‌میرند و روح‌های آن‌ها در پارک‌های عمومی پُرسه می‌زنند؛ مثل گربه‌های وحشی پشت مجسمه‌های تیرهٔ خاکستری پنهان می‌شوند، صدای قدم‌های کوتاه و نفس پنهانشان در صدای ریزش آب از فواره‌ها و در حوضچه‌های آرام محو می‌شود.

دوشیزه رنشو^۱ گفت: «دخترها، امروز به آن باغ زیبا می‌رویم و دربارهٔ مرگ فکر می‌کنیم.»

وقتی زنگ کلاس‌های صبح به صدا درآمد دخترچه‌ها پشت‌سرهم نشستند. معلمشان خیلی جدی مکث کرد. همه درحالی‌که موهایشان را شانه‌زده و کراوات‌های راه‌راهشان را مرتب دور گردن بسته بودند، خیره به او نگاه می‌کردند.

دوشیزه رنشو با صدای آرام و جدی گفت: «باید از اتفاق بی‌رحمانه‌ای برایتان بگویم که امروز پیش آمده است. ساعت هشت صبح امروز یک مرد را دار زدند.»

دار زدند! دوشیزه رنشو روزنامه‌ای تاشده در دستش داشت. آن را به

1. Renshaw

تخته‌سیاه کوبید. گردوغبار بلند شد و دختر بچه‌ها روی صندلی‌هایشان از جا پریدند.

«در ملبورن!»^۱

در ملبورن! دخترها حتی نمی‌دانستند ملبورن کجاست. برای آن‌ها ملبورن مثل یکی از شهرهای دورافتادهٔ ایتالیا بود؛ فلورانس^۲ یا ونیز^۳، یک شهر جنوبی پُر از طلا و گُل. اما حالا می‌دانستند این شهر بی‌رحم و اسرارآمیز است، پر از قاتل و جنایتکار و تروریست حکومتی. در ملبورن یک زندان وجود داشت با دیوارهای بلند و پشت دیوارها در محوطهٔ آن، یک چوبهٔ دار بود و مردی به نام رانلد رایان^۴، ساعت هشت صبح آن روز، در آنجا به دار آویخته شده بود.

دارزدن... چه کسی خبر دارد که در ملبورن چه اتفاق‌های دیگری می‌افتد؟ این را کابی^۵ گفت. اما ایسارا^۶ که همراه پدرش با قطار به ملبورن رفته بود و کل شب طول کشیده بود تا به آنجا برسند، با تکان‌دادن سر مخالفت کرد.

گفت: «این‌طوری نیست، آنجا درست مثل اینجاست، فقط درخت نخل زیاد ندارد.»

1. Melbourne

2. Florence

3. Venice

4. Ronald Ryan

5. Cubby

6. Icara